



کانال اخبار وزارت آموزش و پرورش



نکات مهم درس اول فلسفه دوازدهم (هستی و چیستی)

قدم های چهار گانه برای شناخت نسبت دو مفهوم وجود و ماهیت:

قدم اول: هستی در مقابل نیستی:

* وجود چیزهای مختلف را می یابیم اما گاهی واقعیت ندارد (سراب است).

قدم دوم: هستی در مقابل چیستی در واقعیت:

* این (آن) چیست؟

اشاره به وجود ماهیت

* انسان در هر چیزی که مشاهده می کند دو حیثیت می یابد :

الف) موجود بودن: مشترک بین موجودات (ب) چیستی داشتن (ماهیت): وجه اختصاص موجود است

قدم سوم: هستی در مقابل چیستی در ذهن:

ابن سینا: وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزاند به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزاند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. (از یکدیگر جدا نیستند)

نکته: رابطه انسان و موجود (وجود و ماهیت):

الف) در ذهن و از جهت مفهوم ← دو چیز مغایر و قابل تفکیک اند (تفاوت هستی و چیستی همین جاست)

ب) در واقعیت ← یک چیز عینی و غیر قابل تفکیک اند .

قدم چهارم: تفاوت «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»:

* حمل حیوان ناطق بر انسان: یک حمل ضروری و بی نیاز از دلیل در تعریف انسان آمده و از آن جدایی ناپذیر است.

* حمل وجود بر انسان (حمل وجود بر هر ماهیتی): یک حمل غیر ضروری و نیازمند دلیل است. این دلیل می تواند حسی - تجربی و یا عقلی محض باشد .

گذر تاریخی:

- فارابی و ابن سینا توجه ویژه ای به تفکیک وجود و ماهیت داشتند: که :

- مقدمه بحث های جدید در فلسفه شد.

- این بحث یکی از اساسی ترین آراء در تفکر اسلامی است - پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا

توماس آکوئیناس ← پایه گذار فلسفه - تومیسیم در اروپا

نکات: (۱) آشنا با فلسفه ابن سینا - مانند ابن سینا مغایرت وجود و ماهیت را پایه اثبات وجود خدا قرار داد.

(۲) فلاسفه هم نظر با او: راجر بیکن و آلبرت کبیر، که همه تحت تأثیر ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بودند.

نکات مهم درس دوم فلسفه دوازدهم (جهان ممکنات)

رابطه های بین موضوع و محمول قضایای حملی :

- ۱- ضروری (وجوبی - اجتناب ناپذیر = حتمی) : محمول قضایا برای موضوع حتمی و ضروری است مثل: عدد ۲ زوج است.
- ۲- امکانی (حالت تساوی - اجتناب پذیر - غیر حتمی احتمالی) : محمول قضایا بر موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است این محمول را بپذیرد و یا نپذیرد مثل: انسان موجود است.
- ۳- امتناعی (نشدنی - محال) : برقراری ارتباط بین موضوع و محمول غیر ممکن محال و ممتنع است. مثل: مثلث ۴ ضلعی است.

تقسیم وجود (با ماهیت):

- ۱- واجب الوجود (الف) بالذات : موجود ذاتاً واجب - علت وجود از جانب ذاتش. خدا
(ب) بالغیر: موجود ذاتاً ممکن الوجود - علت وجود از غیر ذات از خودش. انسان - فیل
- ۲- ممکن الوجود ← بالذات : موجود ذاتاً ممکن - انسان - سیمرغ
- ۳- ممتنع الوجود (الف) بالغیر : ناموجود ذاتاً ممکن ناموجود - سیمرغ - دریای جیوه
(ب) بالذات : ناموجود ذاتاً ممتنع - مثلث ۴ ضلعی - فرد بودن عدد ۲

رابطه ماهیت انسان با وجود:

یک رابطه امکانی است. یعنی انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتماً باشد و یا حتماً نباشد.

ممکن الوجود ها چگونه موجود می شوند؟ (تبیین فارابی و ابن سینا):

ماهیت ممکن ← ضرورت وجود پیدا می کند (علت وجود پدید می آید) ← موجود می شود ← واجب الوجود بالغیر

نکات مهم درس سوم فلسفه دوازدهم (جهان علی و معلولی)

علیت:

* کهن ترین مسأله شاید نخستین مسأله بشر

* هر حادثه ای علتی دارد. همه علوم مختلف در نتیجه ی به دنبال علت ها بودن بوجود آمده اند.

* علت: چیزی است که به معلول وجود می دهد، تا علت نباشد معلول پدید نمی آید.

* معلول: چیزی که وجودش را از علت می گیرد . یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است.

* رابطه علیت : یک رابطه وجود بخشی است یعنی ← علت (یک طرف) به معلول (طرف دیگر) وجود می دهد

* تفاوت رابطه علیت با رابطه دوستی: در رابطه علیت وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است.

در رابطه دوستی وجود یکی وابسته به وجود دیگری نیست.

دیدگاه دکارت در مورد اصل علیت:

عقل بدون دخالت حس و تجربه و بصورت فطری آن را درک می کند . یعنی هر انسانی با درک از رابطه علیت متولد می شود. درک علیت نیاز به تجربه و آموزش ندارد . اما یافتن مصداق علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نکته: تجربه گرایان (امپریست ها): هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می کند .

دیدگاه تجربه گرایان درباره اصل علیت:

انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می کند .

عقیده هیوم در مورد علیت:

علیت با عقل و با حس درک نمی شود (فرا تر از حس) علیت تداعی ذهنی ناشی از یک امر روانی به تکرار پدیده های متوالی است.

دیدگاه فلاسفه مسلمان درباره علیت :

علیت یک قاعده ی عقلی است و تجربه بدست نمی آید : زیرا هر داده تجربی مبتنی بر این قاعده است.

هر گاه ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد درکی از علیت پیدا می کند.

اصل امتناع اجتماع نقیضین: یعنی چیزی که خود به خود بوجود می آید و این بدین معناست که چیزی که نیست قبلاً باشد تا بتواند خودش را بوجود بیاورد و این محال است.

دلیل ابن سینا بر عدم درک علیت از طریق تجربه:

درک علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست. زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط «به دنبال هم آمدن» برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست.

اصل سنخیت علت و معلول:

هر علتی ، معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود .

نتایج اصل سنخیت:

- ۱- انسان از هر چیزی آثار متناسب با خودش را دارد .
- ۲- می توان به نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد .
- ۳- دانشمندان با تکیه بر همین اصل تحقیقات خود را پیگیری می کنند.

اصل وجوب علی و معلولی : معلول بدون در نظر گرفتن علت «امکان ذاتی دارد» ۱-می تواند باشد ۲- می تواند نباشد
علت به معلول خود ضرورت وجود می دهد و معلول را موجود می کند .

نکات مهم درس چهارم فلسفه دوازدهم (کدام تصویر از جهان)

* وظیفه فیلسوف از نظر ابن سینا: دقت در مفاهیم عامیانه شانس و اتفاق و سپس نقد و تصحیح یا تعمیق این مفاهیم است.

کاربرد اتفاق در فلسفه و علوم:

فلسفه : دموکریتوس معتقد بود عناصر و اشیای جهان از برخورد اتفاقی اتم ها تشکیل شده اند.

زیست شناسی: داروین معتقد بود تحولات اندامی جانوران اتفاقی است ، اما بعد از این تحولات فقط آن هایی حیات خود را ادامه می دهند که با محیط سازگار ترند .

فیزیک: نظریه مه بانگ (بیگ بنگ) که آغاز گسترش جهان فیزیکی را یک انفجار بزرگ می داند ← اتفاقی بودن انفجار

معانی اتفاق :

الف) معنای اول: نبود ضرورت (عدم وجود رابطه حتمی بین علت و معلول)

-وجود معلول بدون علت : نقض علیت -وجود علت بدون معلول: نقض وجوب علی و معلولی

علت تامه: مجموعه همه عوامل لازم و کافی برای وجود معلول

علت ناقصه : یکی از اجزای علت تامه (شرط لازم اما نه کافی)

ب) معنای دوم: نبود سنخیت (پدید آمدن هر معلولی از هر علتی) - انکار اصل سنخیت - بی اعتباری همه علوم
- هرج و مرج مطلق در جهان - عدم اقدام برای کارها و امور

پ) معنای سوم: نبود غایت (بی هدفی حرکات و تغییرات در جهان)

منکرین علت العلل این معنا از اتفاق را قبول دارند- مانند دموکریتوس- داروین و بینگ بنگ

ت) معنای چهارم: نبود علم و دانش (رخ دادن حادثه ای پیش بینی نشده)

از نظر همه صحیح و ممکن است و مصادیق متعددی دارد. تضاد و تناقض با علیت ندارد.



تبعات انکار یا تردید	لازمه و نتیجه اصل	اصل
عدم ارتباط بین پدیده ها	ارتباط و پیوستگی	علیت
تخلف معلول از علت بر عدم حتمیت	تخلف ناپذیری و حلمیت در نظام هستی	وجوب بخشی
بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج	نظم و قانونمندی بین پدیده ها	سنخیت

نکات مهم درس پنجم فلسفه دوازدهم (خدا در فلسفه ۱)

خدا در یونان باستان:

* اعتقاد به چند خدایی که هر کدام مبدأ یک حقیقت در جهان بودند:

(۱) زئوس: خدای آسمان و باران (۲) آپولون: خدای خورشید هنر و موسیقی (۳) آرتیمیس: خدای عفت و خوشتننداری

* روش اثبات خدا ← تقلید از بزرگان در اندیشه های شرک آلود * منکران خدایان ← طرد یا اعدام می شدند .

خداشناسی افلاطون:

سخن تیلور: افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی

در یونان باستان چند خدایی: بی هدفی و غیر آگاهانه بودن خلقت - کفر و بی خدایی

ویژگی خدا از نظر افلاطون: (مثال خیر ← همه چیز در پرتو آن)

(۱) یک خدای معین با ویژگی های روشن (۲) پیوسته ثابت (۳) نه میزاید و نه از میان می رود .

(۴) چیزی را در خود راه نمی دهد (۵) با حواس درک نمی شود (۶) فقط با تفکر و تعقل می توان از آن بهره مند شد.

استدلال های ارسطو در اثبات خدا:

استدلال اول: به طور کلی هر جا که یک خوبتر و بهتر وجود دارد، خوبترین و بهترین نیز هست.

(واقعیت الهی) ← خوبترین و بهترین

استدلال دوم: نمی شود یک نظم بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.

استدلال سوم: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک غیر متحرک است زیرا سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو رود عقلاً محال است.

خدا در دوره ی جدید اروپا:

نظر دکارت: من از حقیقتی نا متناهی ، که همه چیز مخلوق او هستند، تصویری دارم این تصور نمی تواند از خودم باشد .
زیرا من موجودی متناهی ام. این تصور از وجود نا متناهی است .

نظر دیوید هیوم: بهترین برهان فیلسوفان الهی برهان نظم است که مبتنی بر تجربه است.

* برهان نظم حداکثر فقط وجود ناظم و مدبر را اثبات می کند نه وجود خالق نا متناهی و واجب الوجود .

بنابراین: یا خدایی نیست یا نمی توان آن را اثبات کرد و شناخت.

دیدگاه کانت: اثبات وجود خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی.

برهان و استدلال کانت: از طریق زندگی جمعی ← اخلاق ← اراده و اختیار ← نفس مجرد ← ماوراء الطبیعه ← خدا بدست می آید.

نکته: عدم رعایت اخلاق: هرج و مرج - مسئولیت پذیری و اخلاق در جایی است که انسان صاحب اختیار و اراده باشد.

نظر ویلیام جیمز و برگسون: باور وجود خدا عمدتاً در تجربه های شخصی و درونی ما نهفته است و بدون خدا زندگی از معنا تهی است (معنا ندارد)

نظر کرکگور درباره ی ایمان: ایمان هدیه الهی است. گزینش انسان مؤمن توسط خدا، عدم شایستگی = زندگی تاریک.

زندگی معنا دار: زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی که انسان را نسبت به آینده مطمئن تر می کند و به او آرامشی بر تر می دهد.

نظر کاتینگهام در مورد قبول خدا: قبول خدا = ۱- زندگی ما را با ارزش و با اهمیت می سازد. ۲- می توانیم جهان را مأمّن و پناهگاه بیابیم.

نکات درس ششم فلسفه دوازدهم (خدا در فلسفه ۲)

* سخن یک فیلسوف تا زمانی فلسفی است که ← مبتنی بر استدلال عقلی باشد

* فیلسوف ← بر اساس قواعد فلسفی (استدلال عقلی) عقیده ای را می پذیرد و از آن دفاع می کند.

* فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا ← از طریق استدلال عقلی

استدلال فارابی درباره ی اثبات وجود خدا: (تقدم علت بر معلول)

۱- اشیای پیرامون ما، وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند.

۲- وجود علت بر وجود معلول مقدم است.

۳- اگر علت معلول پیش روی ما، خود معلول علتی دیگر باشد و آن علت هم معلول علتی دیگر باشد امکان ندارد این سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه پیدا کند. (تسلسل علل نامتناهی) بنابراین یک علت نخستین وجود دارد که وجودش وابسته به علت دیگر نیست (علت العلی)

نکته: تسلسل علل نامتناهی ← متناقض - غیر ممکن و محال

استدلال ابن سینا در اثبات خدا: (برهان و جوب و امکان)

نکته: ملاصدرا ارتقا دهنده ی این برهان

۱- موجودات این جهان ممکن الوجود هستند و امکان ذاتی دارند .

۲- ممکن الوجود برای خروج از امکان ذاتی به واجب الوجود بالذات نیازمند است.

۳- موجودات این جهان به واجب الوجود بالذات وابسته اند.

اقسام واجب الوجود از نظر ابن سینا:

۱- واجب الوجود بالذات: ذاتی که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه ذات خود است نه یک امر بیرونی

۲- واجب الوجود بالغیر: ذاتی که وجود برایش ضرورت پیدا کرده و این ضرورت از ناحیه یک امر بیرونی است.

استدلال ملاصدرا در اثبات خدا: (امکان فقری - فقر وجودی)

* به جای مشاهده به ماهیت و حالت امکانی به فقر و وابستگی موجودات نگاه کنیم .

نظریه فقر وجودی:

جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود استقلالی ندارد اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خود را بازگیرد کل موجودات نابود می شوند.

اقسام وجود از نظر ملاصدرا: ۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته ۲- وجود های نیازمند و وابسته

اعتقاد به خدا و معناداری حیات:

نقش خدا در زندگی مانند نقش آب در حیات جسمانی بشر است ← وجه شبه: منشأ اثر بودن

* از نظر فلاسفه مسلمان: در صورتی اعتقاد به خدا به زندگی انسان معنا می دهد که انسان با کمک عقل و اندیشه وجود او را بپذیرد.

* از نظر فیلسوفان الهی: پذیرش وجود خداوند به همراه صفات او = دریافت معیار زندگی معنادار

معیار های زندگی معنادار :

۱- غایتمند دانستن جهان ۲- هدفمند دانستن جهان ۳- ما بازا قائل شدن برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی ۴- معتبر شناختن آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی ۵- احساس تعهد در برابر یک موجود متعالی

توصیف رابطه جهان و انسان و خدا و عشق:

هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان . اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب تمامی ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم .

نکات مهم درس هفتم فلسفه دوازدهم (عقل در فلسفه ۱)

مفاهیم زیر با یکدیگر در ارتباط و تداعی کننده ی یکدیگرند:

دین = ایمان عرفان = شهود و عشق فلسفه = عقل

کاربرد های عقل در فلسفه:

۱- عقل به عنوان ابزار تفکر و استدلال :

عقل = توانمندی برای استدلال و رسیدن به دانش و حقایق

نکته: عقل بصورت بالقوه در کودکان وجود دارد، اما با تمرین و تربیت به فعلیت می رسد و بسته به میزان تقویت این قوه، عقل افراد با یکدیگر فرق دارد.

۲- عقل به عنوان یک موجود مجرد : ← در قید زمان و مکان نیستند .

ویژگی های عقول مجرد:

۱- به عالمی به نام «عالم عقل» تعلق دارند.

۲- مجرد از جسم و ماده هستند.

۳- علم آنها از طریق شهود حاصل می شود نه استدلال .

نکات:

۱) روح انسان نیز، با تهذیب نفس می تواند مانند این عقول شود و حقایق را شهود کند.

۲) توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی و ارائه استدلال، پرتوی از عقل مجرد در وجود انسان هاست .

حکمای ایران باستان:

۱) یکی از کانون های اولیه عقل و خردورزی ۲) رهبری با خرد و عقل است - مزدا = خداوند

۳) منابع گزارش ها: شاهنامه فردوسی و نقل قول تاریخی ۴) توجه به هر دو معنای عقل

۵) خرد با وجود آفریدگار متحد است ← خلقت جهان با خرد و عقل.

عقل در یونان باستان:

۱) هراکلیتوس: لوگوس ← به معنای عقل + نطق (کلمه و سخن نزدوی ← ظهور و پرتو عقل متعالی)

کلمات و سخن ← بیانگر افکار و اندیشه

توجه به هر دو معنای عقل

اشیا عالم ← ظهور کلمات همان حقیقت برتر و بیان علم و حکمت اویند .

۲) ارسطو: عقل ← قوه استدلال - تقسیم بر اساس کار به عقل نظری و عقل عملی ← دانش بشری = نظری و عملی
استدلال تجربی جدا از استدلال عقلی - انسان حیوان ناطق ← نطق = تفکر ← ذاتی انسان

عقل نزد فیلسوفان اروپا:

از رنسانس تا کنون ← مربوط به حدود توانایی عقل

ابتدای رنسانس ← عقل جایگاه ممتاز + در تقابل با کلیسا

دوره اول حاکمیت کلیسا (۳ تا ۹):

چون و چراى عقل ← ضعف ایمان - عقل = امری شیطانی - ایمان قوی ← ایستادگی مقابل شبهات عقل

دوره دوم حاکمیت کلیسا (۱۱ تا ۱۳):

تحت تاثیر ابن سینا و ابن رشد و تبیین عقلانی مسائل دینی (عدم سازگاری مبانی عقل با کلیسا) - سبب حاکمیت عقل بر دین شد (عقل جای دین)

فرانسیس بیکن: بت های قلبی را بشکنید و بر تجربه تکیه کنید .

دکارت: توجه به بدیهیات عقلی و استدلال عقلی محض + تجربه - اثبات خدا و نفس مجرد و اختیار با استدلال عقل صرفا یک دستگاه استدلال (عدم توجه به عقل به عنوان وجود متعالی و برتر)

اگوستین کنت: قرن ۱۹ = کار عقل ← ذهنی - نگاه فیلسوفان به هستی ← ساخته ذهن و تأملات ذهنی (واقعی نیست) دستیابی واقعیت و علم = عقل + روش تجربی و حسی

این دیدگاه در مسائل نظیر: توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و معرفت انسان به خود و جهان در اروپا گسترش یافت.

نکات مهم درس هشتم فلسفه دوازدهم (عقل در فلسفه ۲)

عوامل مهم توجه به عقلانیت در جهان اسلام:

۱- پیام الهی ۲- سخنان رسول اکرم ۳- سخنان اهل بیت

* تجلیل از عقل: حرکت به سوی علم

مصادیق عقل نزد فیلسوفان مسلمان = ۱- وجودی متعالی ۲- قوه استدلال و شناخت

۱- تنگ کردن محدوده اعتبار عقل ← مخالفت با برخی روش های عقلی در مسائل دینی
۲- مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاورد های غیر اسلامی ← ناسازگاری
عقاید فلسفی با عقاید اسلامی (اشکال دوم)

- پاسخ به اشکال دوم:
- ۱- سازگاری بسیاری از آرای فلاسفه یونانی با آموزه های اسلامی .
 - ۲- فلسفه شاخه ای از معرفت است و هر فردی با هر ملیتی می تواند وارد آن بشود.
 - ۳- در فلسفه مانند دیگر انواع دانش استفاده از دستاورد های دیگران ضروری است.
 - ۴- در درستی و نادرستی علم فقط استدلال دآوری می کند، نه ملیت .

عقل ← وجود متعالی ← روحانی (غ.مادی):

فیلسوفان مسلمان روشن تر از هراکلیتوس و افلاطون به آن پرداختند .

ابن سینا و فارابی : اولین مخلوق خدا ← عقل اول (بعد آن عقول) - فیض خدا از طریق عقول به عوالم می رسد.

توانمندی اندیشیدن از پرتو عقل است. تربیت و رشد آن در انسان موجب می شود علاوه بر استدلال، حقایق را مانند عقول درک کند .

عقل فعال = یکی از عقول ← عامل فیض رسانی به عقل انسان ها (فیض رسانی عقل فعال ← فعالیت عقل انسان)

فارابی : مقام عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب نسبت به چشم (آفتاب نوربخشی می کند سپس چشم می بیند).

عقل ← قوه ی استدلال و شناخت

-عموم فلاسفه مسلمانان معتقدند: استدلال های عقلی و تجربی هر کدام در جای خود روش صحیح برای رسیدن به دانش اند .

-استدلال عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر نظری (ما فرزندان دلیل هستیم).

-ابن سینا= هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد از حقیقت انسانی خارج شده .

- اولین مرحله عقل ← عقل هیولایی ← انسان هیچ ادراک عقلی ندارد اما استعداد درک معقولات را دارد مانند نوزاد

-دومین مرحله = عقل بالملکه ← درک اولی از قضایای ضروری (یک چیز نمی تواند هم باشد، هم نباشد) ← کسب دانش

-سومین مرحله = عقل بالفعل ← شکوفایی عقل - کسب دانش با تمرین و تکرار

-چهارمین مرحله = عقل بالمستفاد ← تسلط بر دانش های کسب شده مانند یک استاد.

-پذیرش هر اعتقادی نیازمند استدلال است . ایمان بدون پشتوانه عقلی ارزش ندارد (حجت هر کس ← توان فکری او)

-عقل در کنار حس و قلب (شهود) ← منابع کسب معرفت

-وحی عالی ترین مرتبه شهود و مختص پیامبران

-استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه به یک نتیجه می رسند و حقیقت را در می یابند .

- اگر از استدلال عقلی به درستی استفاده نکنیم - ممکن است به نتیجه متعارض با وحی برسیم.

- راه حل برطرف کردن این تعارض - افزایش تلاش عملی + استفاده از دانش دیگران

- ملاحظه - وجود تعارض بین عقل و وحی را نفی می کند و فلسفه ای را که مطابق با قرآن و سنت نباشد را نفرین می نماید.

نکات مهم درس نهم فلسفه دوازدهم (آغاز فلسفه)

- وجود حیات عقلی باعث بروز و رشد حیات علمی و فلسفی است.

- اولین فیلسوف مسلمان بعد از گذشت ۲ قرن از اسلام - ابو یوسف یعقوب ابن اسحاق - ۲۷۰ کتاب.

زمینه های رشد فلسفه: (شامل سه زمینه می باشد)

زمینه اول: - رشد علم در جامعه حضور عقلانیت در جامعه

- مورخان: تقارن حیات عقلی جامعه اسلامی با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی

- پایه گذار حیات عقلی جامعه اسلامی = پیامبر اکرم + قرآن کریم

برخی از زمینه سازی های قرآن و پیامبر :

۱- ارزش برای اصل تفکر ۲- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر ۳- تکریم پیوسته عالمان ۴- طرح مبحث

علمی و عقلی و فلسفه و بکارگیری شیوه های استدلال ۵- مذمت پیوسته نادانی و جهل ۶- دعوت به یادگیری دیگر ملت ها و استفاده از آنها

زمینه دوم: حیات عقلی مسلمانان با بحث و گفتگوی عقلی در مباحث اعتقادی آغاز شد و بعد از ۲ قرن به حیات فلسفی انجامید .

متکلم: دانشمندی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند .

زمینه سوم: (نهضت ترجمه - قرن ۲ هجری - زمینه شکل گیری فلسفی در اسلام

منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه شامل علوم گوناگون بود. منطق، نجوم، ریاضی و ...

در نتیجه کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی ترجمه شد .

*حنین بن اسحاق - مترجم معروف - معادل وزن کتاب که ترجمه کرده بود زر دریافت می کرد.

*پایه گذاری نظام فلسفی نوین با فراگیری معارف پیشینیان.

حکمای مشاء:

فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی و متکی بر آراء ارسطو بود.

فارابی و ابن سینا ← متأثر از ارسطو ← بزرگترین حکمای مشاء

حکمت مشاء: این شیوه تفکر فلسفی به خاطر موسس اول آن ارسطو به حکمت مشاء معروف شد.

معلم اول: ارسطو معلم ثانی: فارابی

مقام علمی و فلسفی فارابی:

- تبحر در علوم ← فلسفه - حقوق - نجوم - سیاست - پزشکی - فلسفه سیاست

- آشنا با میراث فلسفی یونان (آراء افلاطون و ارسطو) کتاب ← «الجمع بین رأیی الحکیمین»

- کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب ما بعد الطبیعه» ← شرح نظرات ارسطو و نکات پیچیده آن

- پایه گذار فلسفه مشاء در جهان اسلام بود.

فلسفه سیاسی فارابی:

- فارابی: انسان مدنی بالطبع است. گرایش فطری به جامعه و زندگی با هموعان دارد.

- فارابی: هدف اصلی جامعه و مدینه باید سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

- بهترین مدینه: مردم آن به اموری مشغول اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد (مدینه فاضله)

۱- انجام وظیفه به نحو احسن

فارابی: تشبیه مدینه به بدن سالم

۲- تقدم برخی اعضا به برخی دیگر مانند ریاست قلب بر همه اعضا

۳- مدینه فاضله = شخص ممتاز ← ریاست بر مردم

ویژگی رئیس مدینه ← روح بزرگ - سرشتی عالی - عالی ترین درجه تعقل ← پیامبر و امامان

- اتصال دائمی پیامبران با علم بالا ← رهبری درست در جهت رسیدن به سعادت حقیقی

فارابی: مدینه جاهله مقابل مدینه فاضله

تفاوت مدینه فاضله } جاهله: فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های مادی

و جاهله درهدف: } فاضله: سعادت دنیا و آخرت

نکات درس دهم فلسفه دوازدهم (دوره ی میانی)

روش ابن سینا ← عقل و استدلال ← ارائه فلسفه مشائی بصورت مدون

۱- قانون : فرهنگ نامه پزشکی ، معروف ترین اثر ابن سینا

۲- شفا: دایره المعارف علمی و فلسفی

تالیفات ۳- نجات: شکل مختصر کتاب شفا

ابن سینا: ۴- انصاف: دارای بیست جزء و ۲۵ هزار مسئله

۵- اشارات و تنبیهات: آخرین دیدگاه های ابن سینا

۶- دانشنامه علایی: به زبان پارسی، شامل ابواب مختلف حکمت

طبیعت شناسی ابن سینا:

- طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به سوی مقصد خاصی دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

- عالم طبیعت از لطف و عنایت باری تعالی بوده و بهترین نظام ممکن و احسن را آفریده .

- طبیعت ← یعنی هر کدام از اجزای عالم طبع و ذات خاص خود را دارند .

- طبیعت هرشی ← حرکت به سوی خیر و کمال مطلوب / حتی آنچه ظاهراً شر و بدی است. مانند مرگ + سیل و ... همگی

در نظم کلی جهان تاثیر مثبت دارند و به کمال نهائی طبیعت کمک می کنند.

حکیم اشراقی :

- شهاب الدین سهروردی = کتاب: حکمه الاشراق ← فراتر از شیوه مشائیان

- روش : استدلال + سیروسلوک قلبی (تحقیق فلسفی با استدلال محض بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و بر عکس)

- سهروردی ← احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی ← پایه گذاری حکمت اشراق

- ورود مفهوم «نور» به جای مفهوم «وجود» در فرهنگ اشراقی توسط شیخ اشراق ← همه مباحث پیرامون نور

- مبدأ و خالق هستی ← نور محض ← نور الانوار ← اشیاء از تابش آن پدید آمده اند (تمام زیبایی ها و کمالات)

- تفاوت موجودات ← شدت و ضعف نورانیت

جغرافیای عرفانی سهروردی:

مشرق = نور محض یا محل فرشتگان مقرب (فرشتگان مجرد از ماده - غیر قابل مشاهده)

مغرب کامل: جهان تاریک یا عالم ماده بی بهره از نور

مغرب وسطی: جهانی که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

دسته بندی جویندگان معرفت توسط سهروردی:

- ۱- آنان که تازه شوق معرفت یافته اند. ۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بی بهره اند
- ۳- آنان که به استدلال توجه ندارند و فقط به تصفیه نفس و شهود دست یافته اند ۴- آنان که هم در استدلال و هم در عرفان به کمال رسیده اند ← حکیم متأله ← بهترین دسته ← حکیم و جانشین خدا

نکات مهم درس یازدهم فلسفه دوازدهم (دوران متأخذ)

متقدم: ظهور اسلام تا قرن ۴ هجری ← فارابی بزرگترین فیلسوف

تقسیم دوران فلسفه اسلامی } میانه: از قرن ۵ تا ۱۰ هجری ← ابن سینا فیلسوف آن دوره

متاخر: از قرن ۱۱ تا عصر حاضر

* علم کلام ← رقیب فلسفه / متکلمین: دفاع از معارف دین با عقل و استدلال

* فیلسوفان مشهور دوره صفویه = شیخ بهایی - میر داماد - میر فندرسکی - ملاصدرا

* تالیفات ملاصدرا = الشواهد الربوبیه - تفسیر القرآن الکریم - المبدأ و المعاد.

* مهم ترین و مشهور ترین اثر: الحکمه المتعالیه فی اسفار الاربعه (دایره المعارف فلسفی)

عرفا معتقدند سیروسلوک انسان به سوی کمال در چهار سفر انجام می شود .

۱- سفر از خلق به حق (خدا) ← برداشتن حجاب بین سالک و خدا

۲- سفر با خدا درباره ی خدا ← سیر در اسماء و صفات خدا

۳- سفر از خدا تا مردم با خدا ← بازگشت به سوی خلق + توجه در همه ابعاد به خدا (ذات حق را در همه چیز دیدن)

۴- سفر در میان مردم با خدا ← هدایت مردم با کمک حق

اسفار اربعه

حکمت متعالیه:

ملاصدرا بنیان گذار آن - نتیجه تکاملی فلسفه مشاء و حکمت اشراق

* در شخصیت ملاصدرا سه چیز الفت یافته که سرآمد فلسفه ها قبلی بود:

برهان عقلی - شهود قلبی - وحی قرآن -> روش فلسفی حکمت متعالیه .

۱- فلسفه مشاء: بخصوص اندیشه های مستدل ابن سینا

منابع حکمت ۲- حکمت اشراق، اندیشه های سهروردی

متعالیه ۳- عرفان اسلامی، اندیشه های محی الدین عربی

۴- تعالیم قرآن و احادیث رسول خدا و ائمه اطهار

اصول فلسفی ملاصدرا:

۱- اصالت وجود ۲- وحدت حقیقت وجود ۳- مراتب داشتن وجود ۴- حرکت جوهری.

الف) اصالت وجود: بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا

۱- اصالت به معنای واقعی -> مقصود از وجود اصیل: وجود امر واقعی

۲- ابن سینا = ما از هر شی خارجی دو حیثیت می یابیم = ۱- وجود ۲- ماهیت

۳- این دو مفهوم غیر یکدیگرند .

۴- آن شیء خارجی که منشا پیدایش دو مفهوم مغایر در ذهن شده ، مصداق کدامیک از این دو مفهوم است ؟

۵- برخی فیلسوفان از جمله میرداماد: آن امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است -> آنچه واقعی است ماهیت است نه

وجود . وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است -> اصالت ماهیت

ملاصدرا = وجود است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی، ما به ازاء و مصداق وجود است پس وجود اصالت دارد نه

ماهیت . واقعیت خارجی یک چیز است آنهم وجود است. ماهیت های انسان، حیوان و آب مفاهیمی هستند که از وجود ها

انتزاع می شوند.

ب) وحدت حقیقت وجود: ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید: حال که اصالت با وجود است و وجود هم امری واحد

است و وجه مشترک همه اشیاء پس واقعیت خارجی امری واحد است . حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاء است و

موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند .

پ) مراتب داشتن وجود: پرسش: این کثرت ها از کجا نشئت می گیرد؟

ملاصدرا: هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد دارای درجات و مراتب و شدت و ضعف است.

مانند: نورقوی - نور ضعیف (هر مرتبه ای از وجود به میزان درجه وجودی، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه (خدا) است).

اختلاف در شدت و ضعف سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می شود .

نکته: نور از آن جهت که نور است قوی است نه اینکه با چیزی ترکیب شده باشد و قوی شود و نور از آن جهت که نور است ضعیف است نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده باشد و ضعیف شود زیرا تاریکی نبود نور است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده زیرا خارج از وجود چیزی نیست. وجود ضعیف هم به همین ترتیب.

نکات مهم درس دوازدهم فلسفه دوازدهم (حکمت معاصر)

نکات:

(۱) بعد از سقوط صفویان ← فراگیری نابسامانی فکری ← کاهش رونق فلسفه در ایران اواخر حکومت قاجار ← یک جنبش فکری ← حیات مجدد فلسفه

(۲) برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه اروپایی ← با بهره گیری از ذخیره های ارزشمند فلسفی خود، فلسفه جدید اروپا را فهمیدند.

استادان برجسته عصر حاضر: قشقایی - شعرانی - آشتیانی - قزوینی - الهی قمشه ای - عصار - آیت الله شاه آبادی - امام خمینی

کتاب های عرفانی امام خمینی: تعلیقات به شرح فصول الحکم - شرح بر مصباح الانس - مصباح الهدایه - اراده و طلب - شرح دعای سحر - سر الصلوات - آداب الصلوات

حکیم بزرگ دوره معاصر:

* علامه طباطبایی بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی

علامه طباطبایی ← مهاجرت به قم ← جهت تدریس علوم دینی ← مشاهده مشکلات:

۱- تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در ایران در حال گسترش

۲- عدم آمادگی حوزه های علمیه برای مواجهه با این افکار و اندیشه ها

اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی:

۱- تدریس مسائل روز فلسفی ← کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ← نقد اندیشه های مارکسیسم

کتاب های ← بدایه الحکمه و نهایه الحکمه

۲- احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم: تالیف تفسیر ۲۰ جلدی المیزان

۳- تلاش جهت افزایش محدوده ی فعالیت های علمی و فرهنگی خود از حوزه تا دانشگاه ها و حتی جهان ← راه یابی تفکرات شیعی به جهان غرب

هانری کربن فیلسوف فرانسوی ← ۲ جلد کتاب (شیعه) و (رسالت تشیع) حاصل مذاکره با علامه

۴- تربیت شاگردان ← شهید مطهری - شهید بهشتی - شهید باهنر - آیت الله جوادی آملی - حسن زاده آملی - محمد تقی مصباح

ریشه: مبانی فلسفی پذیرفته شده

نظام فکری = مانند درخت } شاخه و برگ: سایر افکار و اندیشه ها مثل نگاه به زندگی - سیاست - خانواده

هر قدر ریشه قوی و استوار و سالم باشد شاخ و برگ هم قوی و سالم خواهد بود.

دسته بندی (تقسیم) نظام فکری:

۱- کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی اند ← نظام فکری مشخص ندارند ← در زندگی تقلید از دیگران ← در تصمیم تابع جو حاکم

۲- کسانی که افکار فلسفی دارند اما به خوبی در آنها شکل نگرفته ← گاهی بر اساس افکار خود و گاهی بیرون از آن تصمیم می گیرند (در حال رشد)

۳- افرادی که در انتخاب نظام فکری خود دچار خطا شده اند ← سبک زندگی معیوب و ناسالم

۴- گروهی ریشه درخت فکری خود را درست انتخاب کردند و پایه های استواری برای نظام فکری خود ساخته اند ← استخراج و قول های محکم و مستدل

۵- بسیاری مبنای خوبی برای اندیشه خود پیدا کرده اند اما قدرت فکری ندارند که بین آن و تصمیمات زندگی خود پیوند ایجاد کنند ← درخت آنها شاخ و برگ مناسب ندارند .

نکته: سبک زندگی و آثار شهید مطهری ← موفق در ارائه اندیشه فکری و عملی خردمندانه ← پاسخگوی نیاز زمان و عصر ما